

چاپ چهارم

روایتی از فلسفه

فهرست

۱	فلسفه چیست؟
۲	فلسفه و زندگی
۳	فلسفه و علم
۴	فلسفه و اخلاق
۵	فلسفه و سیاست
۶	فلسفه و هنر
۷	فلسفه و دین
۸	فلسفه و تاریخ
۹	فلسفه و جامعه
۱۰	فلسفه و اقتصاد
۱۱	فلسفه و حقوق
۱۲	فلسفه و پزشکی
۱۳	فلسفه و مهندسی
۱۴	فلسفه و معماری
۱۵	فلسفه و زبان
۱۶	فلسفه و ادبیات
۱۷	فلسفه و موسیقی
۱۸	فلسفه و رقص
۱۹	فلسفه و ورزش
۲۰	فلسفه و بازی
۲۱	فلسفه و سفر
۲۲	فلسفه و غذا
۲۳	فلسفه و خواب
۲۴	فلسفه و بیداری
۲۵	فلسفه و تنهایی
۲۶	فلسفه و اجتماع
۲۷	فلسفه و عشق
۲۸	فلسفه و کینه
۲۹	فلسفه و امید
۳۰	فلسفه و ناامید
۳۱	فلسفه و شکر
۳۲	فلسفه و غم
۳۳	فلسفه و شادی
۳۴	فلسفه و غمزه
۳۵	فلسفه و خنده
۳۶	فلسفه و جدی
۳۷	فلسفه و بازیگوش
۳۸	فلسفه و سادگی
۳۹	فلسفه و پیچیدگی
۴۰	فلسفه و زیبایی
۴۱	فلسفه و زشتی
۴۲	فلسفه و خرد
۴۳	فلسفه و نادان
۴۴	فلسفه و دانایی
۴۵	فلسفه و نادیده
۴۶	فلسفه و دیده
۴۷	فلسفه و شنیده
۴۸	فلسفه و نشنیده
۴۹	فلسفه و بوییده
۵۰	فلسفه و نبوییده

فلسفه‌ی تنهایی

لارس اسونسن

شادی نیک رفعت

۵
شادی نیک رفعت

فهرست

۷.....	یادداشت مجموعه
۱۱.....	مقدمه
۲۵.....	فصل اول: جوهر تنهایی
۴۳.....	فصل دوم: تنهایی به مثابه‌ی احساس
۵۹.....	فصل سوم: چه کسانی تنها هستند؟
۷۵.....	فصل چهارم: تنهایی و اعتماد
۸۷.....	فصل پنجم: تنهایی، دوستی و عشق
۱۱۳.....	فصل ششم: فردگرایی و تنهایی
۱۳۱.....	فصل هفتم: انزوا
۱۵۷.....	فصل هشتم: تنهایی و مسئولیت
۱۶۹.....	یادداشت‌ها
۱۸۷.....	تمایه

یادداشتِ مجموعه



کتاب‌های این مجموعه فلسفه را ساده نمی‌کنند بلکه از ابهتِ هراس‌آورِ فلسفه می‌کاهند. پیشنهادهایی هستند برای «تفکر»، دعوت به اندیشیدن در زندگی روزمره و تأمل در مسائلی که هرروزه با آن مواجهیم، اندیشیدن به غایت و معنای زیستن، لذات دنیا، تنهایی، عشق، دوستی و غیره. می‌خواهیم کتاب‌ها نقطه‌ی عزیمتی باشند برای فکر کردن به پرسش‌های ازلی ابدی انسانی و همچنین تعمق در خوشی‌ها و مصائبِ انسانی که در این گوشه‌ی جهان و در این جای تاریخ پدیدار شده است.

یازجُستنِ معنای زندگی و اندیشیدنِ پیرامونِ چگونه‌زیستنِ قدمتی کهن دارد. ویل دورانت در تاریخ تمدن می‌نویسد اولین چیزی که پارسیان به فرزند می‌آموختند هنر زندگی بود. بگذارید از «باب برزویه‌ی طیب» در کلیله و دمنه نقل کنیم که، هزاروپانصدسال پیش، بعدِ تکاپوهای فراوان نوشت: «نعمت‌های این جهانی چون روشنائیِ برق بی‌دوام و ثبات است» و «بیاید شناخت که اطرافِ عالم پُر بلا و عذاب است» و «کارهای زمانه میل به اعیار دارد، و عدل ناپیدا و جور ظاهر، و علم متروک و جهل مطلوب.»